

پاک خدا اگر در این مملکت قانون مجری بود و شرف را قهقی بود ان دسقی که قلم گرفت و این کلمه (توسط سفیر روس را) نوشت میبایست از بازو قطع کرد و عبرت غیرتمندان وطن پرست کرد (بقیه دارد)

استغناء مظلوم

این ناله از دل پردرد ستم رسیده و بار ظلم کشیده افصح المتکلمین مدیر جریده خیر الکلام است . این بنده یکسال و نیم در هرمنبر و هر محضر ترویج اساس مشروطیت کرده ام . اداره جریده خیر الکلام و ساحل نجات را محض خدمت بوطن برعهده گرفتم . لب از حق گزینی نه استم و قلم از سحق نویسی نشکستم ضررهای فراوان و صدمات بی پایان دیدم و نه نشستم مستبدین گیلان که کینه ای فراوان از بنده داشتند و همت بر تخریب اساس مشروطیت میکشیدند دست اتحاد با میراعظم دادند . میراعظم بر قهقه دعوت بند و رفتاروا بمحضور خواست بدون استماع دوگله فوراً خوب و فلک و حبس و کتده و زنجیر و جهل و بیجوروز حبس سباه چال و بیاد دادن هسقی و سقی میچارکان را وظلمی که در قوه تحریر نیست و شرح ان در کتاب مدون و عن قریب طبع میشود . و انجمن ابوالفضل را که محض برای استحکام اساس مشروطیت بود خواست ویران کند الحال این بنده بطهران آمده ام و در حضور مردمان وطن خواه مظلوم و نادخواهم که تحقیق فرمایند و دقت بنمایند و از در محاکمات عدلیه در آیند که چه جرم و بجه کتاه مستوجب این همه بلایه شدم . ایها الناس اگر بدادن مظلوم نرسید اقلان کوش فریاد مشروطه گیلان بدهید که بصدای بلند میگویند (هل من مغت یفتنی) (افصح المتکلمین) **مکتوب ارض اقدس**

خدمت مدیر محترم نیر اعظم زید فضله بعد از تشکر وافر از خدمات خیر خواهانه ان وجود محترم بملت ایران زحمت مبدهم در دوسه نوه از جریده خود تعرض از (باب التولیه عرب) کرده بودید بنده را هم بر حسب وظیفه خیر خواهی لازم شد نمکی باین اش زده باشم این تعرض و تعرض

باعث فتنه بزرگی شده خیال فرموده اید همه جا طهران است و ازادی (شنشته اعرافمان احزم) (انجمن نکالی) که از برکت آفاس قدسیه (شیخ الرئیس) در خراسان منعقد گردید فتنه و فسادهای عظیم بر پا کرده و خواهد کرد که باب التولیه و غام نمیدان و بی انصافیش کوچکتر فرزندان مجمع شباطین است این اوقات که خیر حرکت مشارالیه عهده رسیده هوا خواهان او قوی تازه در خود یافته اند بمجولات یاهوم خبلی منتظر نموده اند که دومریه مستبدین بر ضد مجلس مقدس برخواستند میخواهند ضعیف نازه کنند از این تربیات سر در بناوردم واقعا اگر مملکت مشروطه است و کار مملکت بهشت شعبه منقسم شده مگر برای اصلاح امور اوقاف خاصه ائمه مقدسه رضوی علیه السلام فکری نکرده قراری نگذارده اند مگر مردم خراسان از ملت ایران نیستند مگر آنها مسلمان نیستند مگر ما چه گفته ایم که شب و روز دچار شمانت و صدمات مستبدین باید باشم مادر باب التولیه دختر خاقان مغفور بوده چه دخلی بمحضرت رضاع دارد ایشان از اسادات حجاز هستند چه دخلی بایران و خراسان دارد اینها مایه تعجب نیست تمام تعجب در این است که چگونه برای اوقاف از طرف مجلس مقدس وزیر مسئول معین نکرده اند که رسیدگی باین امور بکنند امیدوارم که عین این عرایض صادقانه درج جریده خود فرمایند تا مگر برای جراح دل مظلومین مرهمی باشد و الا ورحمه الله (امصا محفوظ)

نیر اعظم

از ان رو که مارا بحسب ونسب و بزرگی جناب باب التولیه کمال آگاهی است با بنهمه تطلعات جانسوزی که از ایشان بی دربی میرسد باز عنان قلم کشیده بهمت و مروت خود ایشان و انکار میبایم شاید بر حال ان بیچاره ها رجعی فرمایند و یا جناب . . . وزیر علوم و اوقاف در این باب اقدامی فرمایند و البته از این پس اگر باز مکتوب تظلمی رسد چنانچه وظیفه خودمان است بی ملاحظه تشریحات لازمه را بعرض قارئین محترم خواهیم رساند

عظیم نیر اعظم

۱۳۲۵

* (عنوان مراسلات) *
* (طهران خیابان ناصریه) *
* (اداره نیر اعظم) *
مدیر معین العلماء اصفهانی
بعد از ارسال سه نمره و پذیرفتن
آن اسم مشترکین ثبت دفتر
میشود و بمابز یک ماه وجه ایونه
مطالبه خواهد شد
چهارشنبه ۱۷ ذی الحجه الحرام ۱۳۲۵
مطابق ۲۲ ژانویه ماه فرانسه
۱۹۰۸

* (وجه اشتراك) *
* (طهران) *
سالنامه ۱۴ قران
شش ماهه ۸ قران
ولایت داخله ۱۷ قران
مالک خارجه ۱۱ فرانک
اعلانات سطری ده شاهی در صورت
تکرار تخفیف داده میشود
قیمت یک نسخه در طهران
صد دینار در بلاد داخله شاهی

(*) (سیاسی تاریخی علمی اخلاقی لواحق مفیده قبول و در انتشارش اداره ازاد است) (*)

آغاز مشروطیت در ایران

یقین دارم که اغلب اهل ایران کن می کنند که عنوان مشروطه از سنه ۱۳۲۴ شروع شده و باین زودی این ملت باین موهبت عظمی نایل شدند و غافل اند از این که چا خونها در این راه مشروع مقدس ریخته شده وجه نفوس محترم که فدا رفته اند هر کس عنون عدالت و در خواست حریت می نمود یا تمام فساد عقیده مقتول یا بسوء سریره نقی بلد و تبیید می شد نخستین شخصی که در ایران عنوان عدالت نمود و در ارض جلال استبداد کوشید هانا پرنس مالک خان بود چه زحمتها کشید و چه بد بختی و سختیها که متحمل شد وقتی (فرامان) در طهران دایر کرد که ابدا صحبتی از حریت و عدالت و مساوات و اخوت شنبه نمی شد و مدتی بعنوان شهید و نیرنگ ان اساس را مستحکم نمود تا آن که فهمیدند که این شهیده از ان شعبده ها نیست و این نیرنگ و افسون از ان افسانه به ادان فیلسوف اعظم سید جمال الدین معروف با فغان طلوع نمود و مدتی ان نیر اعظم در صفحات ایران تابش داشت در هر کجا که رحل اقامت افکند طوطی نکشید که تبیید شد تا آنکه در آن سال که بحضرت عبدالعظیم ورود فرمود ناصر الدین شاه عاقبت امر را ملاحظه نموده بجه اقتضاح ان بکانه دانشمند را تبیید کرد بعد از یاس از نفوذ عدالت در وطن

رخت بطرف لندن بریست مدتی در لندن بود تا آنکه عبدالحمید خان سلطان حاکم عثمانی ورود او را از لندن عثمانی استدعا نمود این بود که عثمانی آمد تمام زحمت او را از شام و نهار و سایر ملزومات بعهده گرفته از او اتحاد اسلامی را خواستار شد آن سپید جلیلی بمعاونت سایر دانشمندان فراریان ایران در این خصوص زحمت برد پاکت باطراف نوشتند و از حجج اسلام این مسئله را استدعا کردند علمای اسلام هم جواب های مساعد فرستادند و در این ماده زحمت فوق الطاقه متحمل شد و نزدیک بود که عمل ختم شود و حق این که سلطان عثمانی هم حاضر شده بود نه اگر عقد اتحاد بین شیعی و سنی صورت بند تمام مشاهده معتبر که مثل عنایات عرش درجات و ناظمین بلکه تمام عراق عرب را مالکانه بتصرف امپراطوری ایران دهد در اریق بین که سید جمال الدین مشغول ختم عمل بود بلکه برای العین مشاهده میگردد که هیچ وسیله برای حفظ بیضه مقدسه اسلام نیست جز اتحاد بین دولتین علین ایران و عثمانی که والا حضرت خدیو مصر بتوان گردش و مسافرت عثمانی آمد ولی اندازه مشتاق ملاقات سید جمال الدین بود سلطان عثمانی هم ملاقات خدیو را باسید اکیدا منع کرده بود تا آنکه عصری که سید با کاغذخانه نه زهت و تفریح که عثمانی است رفت خدیو هم مطاع شده بعزم زیارت سید با کاغذخانه شافت و رسا خدیو بسید ملاقات کرد سلطان عثمانی از این واقعه از سید بخنون

گشته در صدد قتل وی برآمد تا آنکه بتوسط یکی از پیشخدمت هایش او را مسموم نمود بعد از افول آن نیراعظم نهایت احترام در تشییع آن بعمل آورده خودش بشخصه مثل مأمون مأمون جنازه مقدس او را مشایعت کرد و هفت شب که علامت فوت سلطنت است انداختند

غرض از سبقت مشروطیت و قدمت عنوان رفع ظلم از ایران بود بعد از آن مرحوم مغفور امین الدوله علیه الله حلل النور بود که صیت عدالت خواهی او گوش ایرانیان را کر کرده بود این مرد پاك طینت دوچار چه مشکلات شد و گرفتار چه زحمت گشت تا آنکه بارزوی خود نابل نشده مسموماً یابرسپدن اجل خود دار فانی را بدرود و بیدار باقی الحال و ورود نمود و در این بین بی اشخاص بودید که این آب حیات را جویند و این راه مستقیم را بویا و باین نعمه گویا بودند در محبس ها مردد و یادرزیر تبخ جان بجان آفرین سپردند

حاج میرزا احمد پسر حاج میرزا حسینعلی کرمانی با همین حاج سباح و میرزا محمد رضا قاتل ناصر الدین شاه مدت های مدید در انبار شاهی و در قزوین محبوس بودند تا آنکه حاج سباح و میرزا رضا را مرخص کرده حاج میرزا احمد در سبزه چال زندان در زیر زنجیر داعی حق را لپیك اجابت گفت

بعد از آن حاج میرزا رضا باسلامبول رفت بعد از مراجعت از اسلامبول شامرا کشت مقصود این است که این دوساله عنوان مشروطه در ایران نشده سالهای متمادی بود که این فقره را متمدین و حافظین استقلال وطن باشکال مختلفه و بعنوان متشکته در ایران نشو و نما می دادند آن وقت از طرف عالم نمایان عصر حکم تصاد عقبه آنها صادر شده از طرف دولت مقتول یابمید می شدند میرزا علی محمدخان پرورش و میرزا طاهر مدبر روزنامه اختراغصه ان که چرا باید ملت ایران تابع این همه ظلم و تعدی و بیرو اینهمه ستم و کدی باشند هلاک شدند

میرزا آقاخان کرمانی و شیخ اسعد احمد روحی و حاج میرزا حسن خان خیر الممالک که بجز مشروطه طلبی جرمی نداشتند و بعد از خواستن عدالت کنایه نگرده بودند که سنبر ایران مقیم عثمانی بمعیت میرزا محمود خان مشاور الملک گان زمان قونول بغداد بود و امروزه و کبل ملت

است امارا بدریار ابرن منسد و شورش طلب معرفی کرده بحکم مستبدین در آخر بیجان مرسته بین الطلوعین غروب نمودند و قس علی هذا بسی اشخاص بودند که بعنوان فساد عقبه شهید شدند و آنجاهی عدل و داد و دشمن ظلم و استبداد بودند خلاصه سی شتر ساد است که فدائیان وطن باین نوا تریم اند چه فامیل های بزرگ و چه خانواد های سترک که بواسطه اظهار این مطالب از صفحه روزگار محو و نابود گشتند وجه اموال هنگفت به شمار بمجرد اظهار این مطالب به نهب و یقمای اشرار رفت تا آنکه بعد از مدتی مدتی این شاهد زیبای مشروطه از پس برده نمودار گشته و به ششمه انوار خود صفحه ایران را تجلی بخشود و فی الواقع برای مریض این مملکت طیبی حافق بود و حقیقتاً هر کس مخافت باین اساس مقدس کند مثل این است که بعالم انسانیت خیانت کرده و بپیکرش خالی از شرف است

اما امروزه که مملکت ایران در جزو ممالک کنتی توسهون بشمار میرود پس بر هر فردی از افراد بلکه بر کافه عبدالازم و متختم است که در تشییع مبنای این اساس مشروع گوشیده تا آن که در میان اجانب و همسایگان بی نام و نشان نمایند مسلم است که دولت مشروطه محترم ترین دول سلطان او عظیم الشان ترین سلاطین است همین است که در دولت مشروطه سلاطین مقدس است یعنی مادام که تصرف و مداخله در امور الملکی و مملکتی نگردد باشد بمباراة اخیری به اندازه سلطان محترم است که مداخله در امورات وزارت ظنهما مذاقات باشان اود ارد و سلب شرف از او خواهد شد سلطان مشروطه نباید بدون مشاوره و وزارت است به کار بزند مادام مقدس است که در امورات اختلال نپانندازدو آلت معطله اجرا نشود و الا همان شخص مقدس مقصر قانون خواهد شد

و سلطان قانون حکم بمجازاتش خواهد فرود ادواردهم سلطان حاله انگلستان در زمان ولعهدیش بگروز بر حسب اتفاق بکلوب اشراف رفت بارلان از این واقعه مطلع گشته چهار سال بحکم پارلمان او و بکتوریا مادرش در وسط دریا درده کده و قصبه حبس بود این بود مگر آنکه سلطان از شان خودش کشته و تجاوز کرده بود رحم الله امر اعرف قدره و لم یتمد طوره مراد این است که بی حرفهای نگفته و در همان سفته ده هست بایستی گفته

شود و ملت بحقوق خود واقف شود
قصه المشق لاقصام لها

وصمت ههنا لسان الحال
فدائی وطن عطالله کرمانی

مکتوب متغیرانه و اعتراض بجا

مدبر محترم نیر اعظم قبل از این که شروع بجریده نیراعظم فرمائید سپاسین مملکت جنابالی را مؤسس مشروطیت حامی عدالت مبدانستد و بر احدی پوشیده و مخفی نبود زمانیکه اقدام باین مشروع مقدس فرمودید خیلی اسباب امید واری شد که خیالات مقدس خودتان را انتشار میدهید و طامه مردم از بر تو افاضات عالی مستقبض میشوند و الحقی تا عمره یازدهم داد سخن را دادید و از هیچ کس در مطالب حقه خود تان ملاحظه نفرمودید عمره یازدهم که زیارت شد دیدم حرکات و سکنات شمارا بوجه من الوجوه نمیتوان اعتماد کرد و باب زرمز کور نظیر نخواهد شد و در محضر عدل کبریائی و منتقم حقیقی انتقام شما را خواهیم کشید عموم مردم ماها را جز فواخس مبدانند و اقرار هم داریم لکن از برای يك دستمال دنبارا آتش نمیزنیم و ملتی را نمخواهیم نابود کنیم شما نازد و جندان خودتان چه طور راضی شدید که ماها را در ردیف شیخ فضل الله و سید بزیدی و امثالهم بیاورید بذات خدای قهار از تقصیر شما نخواهیم گذشت و زهر بر این پیشرفتی و بی ناموسی نخواهیم رفت دیگر خود مبدانید

امضا کابن مازور و ملا باجی امین المالی

نیراعظم

بعد از اصلاح ذات البین معاهده شد تنبیه اشرار بشود اشرار بردو قسم اند

یکی مقتدر و مجلل و صنیع و اقبال و سمد و بهادر اینها همه بی ندارند باید چوب زد و تمبید کرد يك قسم اشرار از قبیل شیخ فضل الله و سید بزیدی و زنجانی و بعضی از سادات شیرازی و امثالهم بعد از حکم حجج اسلام نجف اشرف و اصفهان از رتبه اسلام خارج چند بعلاوه مفسد فی الارض میباشدند باید اینها را مدوم کرد بای حقوقان میترسم باز انگشت غیب مدد

کند فوری دین برود

الله ا کبر شیخ فضل الله سید بزیدی زنجانی خدا از صفحه هستی نیست و نابودتان کند دین این ملت بچاره چه ربطی یشماها دارد و قاحت نمفهمید عجب ا کبر مپفهمیدن مرده بودند خداوند لعنت کند آنها را بواسطه ذکر اسم نجس نجس آنها باینگونه خطبات مبتلا مینویسم که فواخس تنک دارند در ردیف آنها اسمشان برده شود لکن بعالم وجود گذاشتند که تا دنیا دنیا است یا ک نمیشود و اگر حقیقه این بزرگواران دست بکبسو و لب بفرین بکشایند و ما را بمحضر عدل کبریائی بیاورند جز تسلیم چاره نداریم نمود بالله من شروع شیخ فضل الله و سید علی و در هر حال بتقصیر و قصور خود معترفم و از آن مخدرات امید عفو داریم و العذر عند کرام الناس مقبول

مکتوب یکی از حجج اسلام اصفهان

خدمت جناب ۰۰۰ معین العلماء منیر نیراعظم دامت برکاته عرض میشود

از قرار مکاتبات موقه انجمن محترم اصفهان مقیم طهران بهمت و دستگیری جنابالی و سایر دوستان آن جناب منعقد گردید همه هفته مراسلات شریفه در تشویق و تحریص بهمراهی آن انجمن محترم باصفهان میوسسد ما هم بقدر قوه با جندی ببلغ مسالعت کردیم علاوه بر آنکه تا کنون نتیجه از آن انجمن بروز نکرده شنیده میشود که جنابالی از عضویت استعفا داده اند خیلی مایه نگرانی شده البته استتمای جنابالی مبنی بر جهق و ماخذی صحیح بوده مستدعم مختصراً داعی را هم از وضع آن انجمن و جهة استتمای خودتان مسبوق فرمائید که جمی تکلیف خود را در این باب بداندت والسلام امضا محفوظ

نیراعظم

تا حال مکاتیب متعدده از آقایان راجع بهین مطلب باناره رسیده و ما همه را بطور ظفره جواب دادیم ولی این مکثوب را ملاحظه اینکه جواب از کلبه مکاتیب داده باشیم عیناً درج کردیم و از این پس اگر مکتوبی رسید تشریحات لازمه خواهد شد اولاً داعی را کثرت مشاغل شخصی خود باعث

شده که مثل سابق در آن انجمن حضور ندارم غرض خدمت به اهل انسانیت و اساس مشروطیت است چه تأسیس انجمن چه ترویج و معارف

بعلاوه حضرات همشهریها و فقهاء الله رعایت نظام نامه داخلی انجمن را چندین طرف توجه و ملاحظه قرار ندادند لذا داعی هم بتکلیف خود را این طور دانستم بیش از این نمیتوانم حالا عرض کنم البته حضرت مستطاب عالی هم بتکلیف خود رفتار مینماید والسلام ورحمة الله (معین العلماء)

(زنده باد مجاهدین قزوین)

مجاهدین قزوین ریاست حضرت رئیس المجاهدین آقا میرزا حسن شیخ الاسلام داد وطن پرستی را دادند و هر هیچ کس پوشیده و مخفی نیست و جریده ما کنجاش شرح آنرا ندارد روز چهارم ورود ایشان از تمام انجمنها دو نفر نماینده برای تبریک رفته بودند چون شیخ فضل الله بولایات تلکراف کرده و هم خیال از برای خود خواستند از برای جلوکیری آنها می خواستند از انجمنها تلکراف کنند جناب رئیس المجاهدین خواهش کردند که وجه تلکرافات با جواب آنها را از کسب خود که زیاده از سبب تومان است بدهند و این مرد بزرگ از برای جان نثاری ملت آمده بود این یولها چندان اهمیتی نداشت اعضاء اداره نیر اعظم از جانب ملت تشکرات خود را تقدیم حضرت رئیس المجاهدین عرضه می دارند باز بان ودل میکنند زنده باد رئیس المجاهدین

ترجمه از روزنامه طبیس ۱۳ نوامبر ۶ شوال (عنوان منازعه ایران با عثمانی)

عمل سرحدی ایران با عثمانی که فی السابق برقرار است عثمانیها هنوز آن قطعه ایران را که در تابستان بسحق غارت کردند متصرف اند و آن قطعه ممالک (۲۵) مایل عرض و شاید صد مایل طول باشد تقریباً شش فرسخ عرض و (۳۰) فرسخ طول باشد (محتشم السلطنه)

ریاست کبیسون ایران از طرف دولت مقرر شده که در سرحد ملاقات کبیسون عثمانی بکند

محتشم السلطنه به راهی وزیر امور خارجه روز پنجشنبه ۱۹

اکتبر بمجلس آمده ورقهها را که در او دوازده امر متعلق بسرحدی مندرج بود تقدیم کرد

یکی از مطالبش این بود که خواهش چهار فوج سرباز و چند عمده توپ کرده بود که باید حرکت بکند بجهة سرحد قبل از آنکه کبیسون حرکت کند

نه از برای این که در محل متنازع فیه حاضر شوند که بتوسط این قشون با عثمانی جنگ کند بلکه قسمت طرف ایران را قبل از ورود کبیسون منظم نماید

کمان میبرد مجلس پارلمان تمام مطالب را قبول کرده محتشم السلطنه بزودی بطرف ارومیه حرکت خواهد کرد

پنج روز قریب هنوز با کمال سختی در بنادر بحر خزر ایران برقرار است از نتیجه این عمل درآمد کم کم حرکت خیلی کم شده است هم بی ترتیب وارد می شود

وکلاء اصناف حالاً در مجلس حاضر می شوند لیکن هر اندازه وطن پرست باشند کاری از پیش نمیرند چرا که علم نیستند خودشان هم شکایت از نادانی و بی اطلاعی در امور پارلمان می نمایند با بودن انجمنهای سری و علنی که نگاهبان وحامی مجلس شورای ملی هستند حالا بزودی مردم می توانند از اصناف صرف نظر کنند چرا که بستن بازارها دیگر لازم نیست زیرا که بواسطه فشار انجمنها دولت مجبور بر تمکین است انتخاب دوره ثانی مثل اروپا از روی سر شماری باید بشود رعایای غیر مسلم ایران هم باید و کمال مجلس بفرستند شخص اول ناطقین که برای پیشرفت ترتیبات جدید در ایران خیلی زحمت کشیده آقا سید جمال است که خلفتش از این قرار است

(قامت کوچک ولاغر) (پیر و خوش سها) (سید مستوی الخلقه) در روز چهارم عباس آقا در سر قبر او نطقهای مهیج ملی خیلی کرده که از قرار ذیل است بقیه دارد

اعلان

میرزا عبدالحسین عکاس اصفهانی بالا خانه مطبوعه مجلس از همه قسم نقاشی و عکاسی بقیهت خیلی ارزان میبکشد و با کمال مهربانی از او ردین پذیرائی میکند

در مطبوعه مجلس بطبع رسیده



هفته یک نمره طبع و توزیع میشود
قیمت یک نسخه
دو عباسی

قانون



قیمت اشتراك سالیانه
در طهران ۲۰ قران
سایر ولایات داخله ۲۵
خارجه ۳۰

پرنس میرزا ملک خان ناظم الدوله

اتفاق عدالت ترقی

محل صدور این جریده در دفتر خانه کپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمره ۳۸ در لندن
محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم بدأنا باسمك العظيم بعد الاتكال علی عونك الكريم بنشر صحيفة القانون ،، قانوناً بعبادك المؤمنين ودستوراً يهتدى باصوله خير المهتمين فارشدنا وياهم الی صراط الرشاد المستقيم وانور عقولنا بنور العلم السليم لنسلك في منهج العدل والاستقامة ومحطى بخاتمة الصالحين يوم القيامة

جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خود را از وطن مألوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده اند

در میان این مهاجرین متفرقه آن اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق میکنند سالها در این فکر بودند که آیا چه تدبیر میتوان بان بکارگان که در ایران گرفتار مانده اند جزئی امدادی رسانند پس از تفحص و فکر زیاد بر این عقیده متفق شدند که بجهت نجات و ترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ اسباب نمیتوان تصور کرد

آن چند نفر اشخاص وطن پرست که همی و قدرت روزنامه جات را درست فهمیده اند در این چهار پنج سال بیک عزم مردانه افتادند با طرف دنیا و بهر وسیله چه باصرار چه با انماص وجه بگدائی از دولتخواهان

ایران و ارباب کرم و طالبان ترقی اعانتهای وافر جمع نمودند و بعون الهی این روزها یک کمیته معتبری ترتیب دادند بین عزم مبارک که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامه جات و کتابچه های مفید انتشار دهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است

ایران مملو است از نعمات خداداد چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست

حاکم تعیین میکنیم بدون قانون سربین معزول میکنیم بدون قانون حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون بندکان خدارا حبس میکنیم بدون قانون خزانه میبخشیم بدون قانون شکم پاره میکنیم بدون قانون

درهند درپاریس درتفلیس درمصر دراسلامبول حتی در میان ترکمن هرکس میداند که حقوق ووظایف او چیست

در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام فلان مجتهد را بچه قانون اخراج کردند